

رویکرد باراک اوباما در قبال عضویت فلسطین در سازمان ملل متحد

* محمدجعفر جوادی ارجمند

** حسینعلی توتی

چکیده

نوشتار زیر، با طرح این سؤال که دولت اوباما در قبال عضویت فلسطین در سازمان ملل، چه سیاستی را اتخاذ کرده است، به این پاسخ رسیده است که با عنایت به نظریهٔ نئوایدئالیست، باراک اوباما در ابتدا، حمایت خود را از تأسیس کشور مستقل فلسطینی در سازمان ملل، بر اساس مرزهای قبل از ۱۹۴۷ اعلام کرد و بارها تلاش کرد تا دو طرف را به پای میز مذاکره بکشاند. اما با توجه به تلاشی که برای حل مسئلهٔ صلح اعراب و اسرائیل انجام داده، موفقیتی نداشته است. با این حال، اوباما بر این نکته تأکید می‌کند که هرگونه تلاش فلسطین برای شناسایی و عضویت در سازمان ملل، باید از طریق مذاکره با اسرائیل انجام شود؛ یعنی ابتدا بحث مرزها و

* استادیار علوم سیاسی، دانشگاه تهران (mjjavad@ut.ac.ir).
** کارشناس ارشد مطالعات منطقه‌ای، دانشگاه تهران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۶/۱۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۱/۹/۳۰

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره پنجم، پاییز ۱۳۹۱.

پایتختی قدس، حل شود و سپس وارد قضایای حقوقی و روند بین‌المللی شود. در غیر این صورت، ایالات متحده به عنوان عضو دائمی شورای امنیت، عضویت فلسطین در سازمان ملل را وتو خواهد کرد. در این پژوهش، برای پاسخ‌گویی به سؤال اصلی، از روش استقرایی و تحلیلی استفاده گردید. **واژه‌های کلیدی:** اوپاما، مسئله فلسطین، سازمان ملل، اسرائیل، نتوایدنالیسم.



مقدمه

طرح عضویت فلسطین در سازمان ملل، دارای موافقان و مخالفانی است که حتی بعضی از گروه‌های داخلی نیز مخالف طرح این مسئله هستند.

■ موافقان این طرح، عموم فلسطینی‌ها هستند؛ هرچند ممکن است گروه‌هایی در داخل فلسطینی‌ها مخالف باشند، اما اکثریت موافقند. افزون بر این، بسیاری در جهان سوم و کشورهای اسلامی، با این طرح موافقند که فلسطینی‌ها تا مرحله‌ای که می‌توانند باید پیش بروند، خواه اگر سقف این مرحله شناسایی آنها توسط مجمع عمومی، به عنوان یک کشور باشد و نه عضویت در سازمان ملل.

اما این موضوع، مخالفانی هم دارد که به نظر می‌رسد سه گروه مخالف این طرح، برجسته‌تر باشند:

■ گروه اول، امریکا و اسرائیل و حامیان آنها، به‌ویژه گروه‌های ذی‌نفوذ یهودی و صهیونیستی مثل ایپک؛

■ گروه دوم، برخی گروه‌های اسلامی و فلسطینی هستند که کشورهای غربی، آنها را تندرو و افراطی می‌نامند. این گروه استدلال می‌کنند که پایه توجیه و اقدام دولت خودگردان، قطعنامه ۱۹۴۷، یعنی «قطعنامه تقسیم» است. این گروه‌ها معتقدند استناد به این قطعنامه، به معنای پذیرش کشور اسرائیل است و چنین طرحی را موجب تقسیم دائمی فلسطین دانسته و سرزمین‌های خود را برای همیشه از دست‌رفته می‌بینند؛

■ گروه سوم، کسانی هستند که اشکالات فنی را مطرح می‌کنند و می‌گویند از دولتی سخن گفته می‌شود که وسعت و مرز و حاکمیتش مشخص نیست و تخیلی و

فرضی است (دانش یزدی، ۱۳۹۰: ۸).

باراک اوباما، رئیس‌جمهور ایالات متحده نیز در طول مبارزات انتخاباتی خویش، همچنین در مراسم تحلیف و پس از مراسم تحلیف خود، وعده‌ای مبنی بر تأکید در نوآوری در رویکرد خود به منطقه خاورمیانه داد و درباره اختلافات اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها، خود را متعهد به حل و فصل آن کرده است؛ اما موفقیت چندانی نداشته است. اوباما در سال ۲۰۱۱، با طرح عضویت فلسطین در سازمان ملل از طرف محمود عباس، مواجه شد که این طرح، اوباما را در تنگنا قرار داد. با این مقدمه، در پی پاسخ به این سؤال هستیم که اوباما در قبال طرح عضویت فلسطین در سازمان ملل و شناسایی آن، چه سیاستی را اتخاذ کرده است و چه راه‌کارهایی را در داخل و خارج از سازمان ملل، در قبال این مسئله ارائه کرده است. برای پاسخ بهتر به این سؤال در گفتار اول، به نئوایدئالیسم به مثابه رویکرد اوباما در قبال سازمان‌های بین‌المللی، پرداخته می‌شود. در گفتار دوم، به بررسی موضوع فلسطین و سازمان ملل متحد و مباحث آن و در گفتار بعد، به اوباما و رویکردش در قبال فلسطین می‌پردازیم و در پایان، نتیجه‌گیری مقاله ارائه می‌شود.

چهارچوب مفهومی پژوهش

از میان نظریه‌های جریان اصلی، واقع‌گرایی توجه چندانی به سازمان‌های بین‌المللی ندارد. واقع‌گرایان بر این اعتقادند که نهادها و سازمان‌های بین‌المللی، عملاً فاقد قدرت و ناکارآمد می‌باشند. لذا واقع‌گرایان با قائل‌نشدن نقشی قابل توجه در عمل برای سازمان ملل متحد، معتقدند دولت‌ها در وضعیت ناامنی، باید بر قدرت خویش متکی باشند (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۸۳۱-۸۳۰).

برعکس، نظریه دیگر جریان اصلی، یعنی لیبرالیسم، توجه ویژه‌ای به سازمان‌ها و نهاد‌های بین‌المللی و نقش آنها در ایجاد صلح و امنیت داشته است (میلر، ۲۰۱۰: ۵۸۷). لیبرال‌ها، نهادها و سازمان‌های بین‌المللی را بهترین سازوکار برای پیشبرد همکاری بین‌المللی تلقی می‌کنند (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۸۴۴).

همان‌طور که می‌دانیم، سازمان‌های بین‌المللی، نماد تفکرات ایدئالیستی و

نشئت گرفته از این اندیشه هستند؛ همان‌طور که در بین دو جنگ جهانی، جامعه ملل ناشی از تفکرات ایدئالیستی، شکل گرفت و پس از جنگ جهانی دوم نیز با شکل گیری سازمان ملل متحد برای مدت کوتاهی، باعث احیای عقاید لیبرالیستی شد (عسگرخانی، ۱۳۷۸: ۱۱۶۸). با پایان جنگ سرد و تحوّل در ساختار نظام بین الملل، دوباره این اندیشه در شکل جدیدش، یعنی نئوایدئالیسم، مطرح شد و طرفداران آن به تغییر نقش سازمان‌های بین‌المللی و موفقیت آنها در گسترش صلح و امنیت بین‌المللی، بسیار امیدوار شدند (اسمیت،^۱ ۱۳۸۳: ۳۹۶-۳۹۴).

بر طبق منطق نئوایدئالیسم، امریکا برای یافتن سیاست جمعی برای حل مشکلات مشترک، باید به کشورهای دیگر ملحق شود. منطق نئوایدئالیستی امریکایی، بر نکات اساسی زیر استوار است:

- امنیت ملی امریکا صرفاً موضوعی نظامی نیست؛
- امنیت ملی امریکا، تنها از طریق همکاری‌های چندجانبه جهانی تقویت می‌شود؛

- همکاری جهانی، نیازمند نهادهای بین‌المللی کارآمد است؛ بنابراین امریکا باید با سازمان‌های بین‌المللی، همکاری و از این سازمان‌ها و قوانین بین‌المللی حمایت کند؛

- قدرت، پیچیده است و در موضوعات مختلف، مستلزم منابع و بازیگران و سلسله‌مراتب مختلفی است. قدرت نظامی کارایی محدودی دارد و مقاومت‌آفرین است؛

- امریکا از نقش مشروع رهبری در جهان برخوردار است؛ اما این رهبری باید بدون سلطه‌جویی انجام شود؛

- امریکا برای حل مشکلات جهان، با یک الزام اخلاقی مواجه است (کالاها، ۱۳۸۷: ۱۷۲).

تا قبل از روی کار آمدن باراک اوباما، نومحافظه‌کاران، یک‌جانبه‌گرایی^۲ را برای مدیریت تحولات جهانی در مقابله با تهدیدها و چالش‌های پیش رو، در دستور کار

1. Smith

2. Unilateralism

خود قرار دادند (مختاری، ۱۳۸۷: ۱۸۲). اما با روی کار آمدن باراک اوباما در سال ۲۰۰۸ و تأکید او مبنی بر تغییر و لزوم تصحیح سیاست‌های اشتباه گذشته، چندجانبه‌گرایی^۱ در دستور کار قرار گرفت. اوباما بارها اعلام کرده است که رویکرد امریکا را به مسائل مهم بین‌المللی، تغییر داده و در مناسبات بین‌المللی خود، اولویت را به چندجانبه‌گرایی، دیپلماسی، گفت‌وگو و تعامل می‌دهد (ایزدی، ۱۳۸۸: ۱۸۳). در این چهارچوب، اوباما به حضور کشورهای دیگر برای سهم شدن در مسئولیت جهانی در قالب چندجانبه‌گرایی جدید، تأکید کرده است. وی در سپتامبر ۲۰۰۹، در سازمان ملل بیان کرد: «در قرن ۲۱ که در آن تهدید مرزها متوقف نمی‌شود، مقابله با بسیاری از مشکلات، نیاز به مشارکت و همکاری دارد و تعامل امریکا در سازمان ملل به عنوان هسته اصلی تلاش‌ها، برای ساخت معماری جهانی برای رسیدگی به چالش‌های قرن ۲۱ قرار می‌گیرد»^۲.

رویکرد خاورمیانه‌ای اوباما بر این است که ایالات متحده نمی‌تواند در مسئله فلسطین به اهداف خود نائل آید، مگر اینکه حمایت متحدان کلیدی خود را به دست آورد. از نظر رئیس‌جمهوری امریکا، حمایت عربستان سعودی و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، رکنی مهم به منظور تشویق فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها به حل و فصل درگیری‌شان محسوب می‌شود که این به نوبه خود، نیاز به حمایت و اشنگتن برای حساسیت و نگرانی بیشتر این کشورها در قبال مسئله فلسطین دارد (Feldman and Shikaki, ۲۰۰۹: ۲).

البته، چنین به نظر می‌آید که حتی در دوران اوباما نیز امریکا نقش رهبری جریان چندجانبه‌گرایی را ایفا نکرده است و این ممکن است به معنای اولویت دادن به ارزش‌ها و منافع امریکایی و نه منافع مشترک جهانی، تلقی شود. نباید فراموش کرد که اوباما در طول مبارزات انتخاباتی خویش در سال ۲۰۰۸، بیان کرد که در صورت لزوم، اگر امریکا با تهدید امنیتی بحرانی‌ای روبه‌رو شود، به صورت یک جانبه عمل خواهد کرد (Voigt, ۲۰۰۸: ۴۳). همچنین با توجه به اینکه امریکا قطعنامه عضویت فلسطین را در سازمان ملل وتو کرد، نشان داد که آنچنان‌که

1. Multilateralism

2. www.nytimes.com, 2009/09/24

بایدوشاید، پیرو سیاست‌های چندجانبه‌گرایی نیست.

در ادامه، سعی شده است تا به کمک شاخص‌های منطق نئوایدئالیست، رویکرد باراک اوباما در قبال عضویت فلسطین در سازمان ملل بررسی شود.

۱. عضویت فلسطین در سازمان ملل

فلسطین برای عضویت در سازمان ملل، راه دشوار و پیچیده‌ای را باید طی کند (Phillips, ۲۰۱۱: ۲). اما از آنجایی که برای سازمان ملل، ملاک و مبنای دولت بودن است، فلسطین به دنبال عضویت در سازمان ملل است. اما سازوکارها برای تبدیل شدن به دولت عضو در سازمان ملل، چیست؟ در مرحله اول، درخواستی رسمی باید به دبیرکل تقدیم شود که دبیرکل درخواست را به شورای امنیت می‌فرستد. در مرحله دوم، کمیته‌ای دائمی، پذیرش اعضای جدید، متشکل از همه اعضای شورای امنیت، بحث درخواست را بررسی و نتیجه‌گیری را به شورا گزارش می‌دهد. اگر ۹ عضو از ۱۵ عضو، تأیید و هیچ‌یک از اعضای دائم، از وتو استفاده نکند، شورای امنیت با قطعنامه توصیه پذیرش، کشور درخواست کننده را به مجمع عمومی معرفی می‌کند؛ در این صورت فاز سوم در مجمع عمومی با پذیرش اکثریت دوسوم، اجرا خواهد شد (Shlaim, ۲۰۰۲: ۳).

راه دیگری که شاید فلسطین برای عضویت در سازمان ملل، به دنبال آن باشد، راه کار سخت و پیچیده‌ای است؛ به این صورت است که آنها بخواهند بر اساس قطعنامه ۳۷۷ که در سال ۱۹۵۰ تحت عنوان «اتحاد برای صلح توسط مجمع عمومی سازمان ملل» صادر گردید، موضوع عضویت خود را در مجمع عمومی سازمان ملل مطرح نمایند؛ البته تصمیمات مجمع عمومی هرچه باشد، جنبه توصیه‌ای داشته و برای اعضا، الزام آور نخواهد بود. تاکنون ۱۰ بار از فرمول قطعنامه اتحاد برای صلح استفاده شده است و جلسه اضطراری مجمع عمومی تشکیل گردیده، ولی هیچ‌یک از اینها ربطی به عضویت کشوری در سازمان ملل نداشته است. از این گذشته، استفاده از این فرمول، به معنای رویارویی جدی با امریکا به حساب می‌آید و چه بسا چنانچه این رویارویی عملی شود، مجمع عمومی در تصمیم خود برای عضویت فلسطین، نمی‌تواند به اکثریتی قاطع و چشم‌گیر دست پیدا کند. با وجود

اینکه اگر فرمول قطعنامه اتحاد برای صلح^۱ مورد استفاده و استناد قرار گیرد و مجمع عمومی به آن رأی دهد، باز هم عضویت فلسطین در سازمان ملل، تحقق نخواهد یافت؛ زیرا غیر از آنچه در ماده ۴ آمده است، عضویت تحقق پیدا نخواهد کرد (دانش یزدی، ۱۳۹۰: ۸ و ۷).

تصمیم مجمع عمومی الزام‌آور نیست، مگر اینکه شورای امنیت توصیه کند که تنها راه عضویت در سازمان ملل، همین مورد است؛ از طرفی اگر شورای امنیت، تصمیم‌گیری درباره عضویت فلسطین را به هر دلیلی فراتر از زمان معقول به تأخیر بیندازد، دولت خودگردان فلسطینی می‌تواند درخواست خود را به مجمع عمومی بازگرداند و موقعیت خود را از دولت ناظر، به دولت غیرعضو ارتقا دهد؛ مانند موقعیت سوئیس تا سال ۲۰۰۲؛ همچنین واتیکان نیز در حال حاضر از این موقعیت برخوردار است.

این وضعیت جدید، باعث قدرت بیشتر فلسطین می‌شود؛ زیرا دولت فلسطین می‌تواند درخواست عضویت را در طیف وسیعی به سازمان‌های بین‌المللی ارائه کند و وضعیت حقوقی خاصی برای اقدامات غاصبانه رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی ایجاد کند (Duss and Prawde, ۲۰۱۱: ۴۳). افزون بر این، فلسطینی‌ها می‌توانند از موقعیتشان در سازمان ملل استفاده کنند؛ زیرا این موقعیت دولت غیرعضو، دولت خودگردان فلسطین را قادر می‌سازد برای عضویت در سازمان‌های بین‌المللی دیگر و چالش‌های سیاسی، از استراتژی دیپلماسی و شبه‌قانونی علیه اسرائیل استفاده کند (Schaefer and Phillips, 2011: 2).

۱-۱. بستر تاریخی عضویت فلسطین در سازمان ملل

بعد از جنگ جهانی اول و از هم پاشیدن امپراتوری عثمانی، بر اساس تصمیم جامعه ملل^۲، قیمومت سرزمین فلسطین به انگلیس واگذار شد (دانش یزدی، ۱۳۹۰: ۳). انگلیس موضوع تعیین تکلیف سرزمین فلسطین را در دستور کار سازمان ملل قرار داد و قطعنامه ۱۸۱ (مشهور به قطعنامه تقسیم) در مجمع دوم سازمان ملل (۱۹۴۷) به تصویب رسید. در قطعنامه ۱۸۱، مقرر شد که سرزمین فلسطین به دو قسمت

1. Uniting For Peace Resolution
2. League of nations

عربی و یهودی نشین تقسیم شود و بدین ترتیب، دو کشور از این دو منطقه به وجود آید و بیت المقدس به مثابه شهری بین المللی، تحت نظارت و اداره سازمان ملل قرار گیرد. اندک زمانی بعد از تصویب طرح تقسیم سرزمین فلسطین توسط سازمان ملل، اسرائیل نیز از این موقعیت کاملاً استفاده کرد و اعلام استقلال کرد (دانش یزدی، ۱۳۹۰: ۵).

کنفرانس مادرید^۱ (۱۹۹۱) با توجه به اقدامات بوش پدر^۲ به این علت که تعارض فلسطین و اسرائیل، تأثیر منفی بر منافع امریکا در خاورمیانه داشته است، به سرانجام نرسید. در ادامه مذاکرات در سال ۱۹۹۳، با شکل گیری قرارداد اسلو^۳ برای رسیدن به صلح در مذاکرات، چهارچوبی برای تبادل زمین بین طرفین و ایجاد سزمین فلسطین در کنار اسرائیل در نظر گرفته شد و در مقابل، قرار بر این شد که در دوره ای پنج ساله، تحت عنوان «دوره انتقالی»، به تدریج اسرائیلی ها از کرانه باختری خارج شوند؛ اما باز هم این مذاکرات بی نتیجه ماند (Duss and Prawde, ۲۰۱۱: ۱). در زمان بیل کلینتون نیز در سال ۱۹۹۹، توافق نامه «وایمیدر» شکل گرفت که در این موافقت نامه مقرر شد که در ۱۳ سپتامبر ۲۰۰۰، کشور مستقل فلسطینی شکل گیرد؛ اما باز هم مذاکرات با عنوان «کمپ دیوید ۲» به سرانجام نرسید (ایرانی، ۱۳۹۰: ۱۴).

در سال ۲۰۱۱ نیز محمود عباس، طرح فلسطین برای عضویت در سازمان ملل را اعلام کرد؛ ماهیت این طرح شامل ایجاد و به رسمیت شناخته شدن دولت فلسطین در کرانه باختری و غزه بر اساس مرزهای ۱۹۶۷، با پایتختی اورشلیم شرقی است. اما هدف اصلی این طرح یا هدف از فشار فلسطین برای عضویت در سازمان ملل با این طرح چیست؟ هدف اصلی این طرح برای نشان دادن آمادگی فلسطین به جامعه بین المللی برای استقلال و همچنین ایجاد فرصتی برای فلسطینیان، برای پیشبرد منافع خود است، در صورتی که روند صلح با اسرائیل شکست خورده است (Duss and Prawde, ۲۰۱۱: ۵و۴). در واقع محمود عباس به این نتیجه رسید که از آنجایی که

1. Madrid conference
2. George H .W Bush
3. Oslo accords

مذاکرات با دولت ناتانیاهو به جایی نمی‌رسد، طرح شناسایی دولت فلسطینی را مطرح کند. او با این اقدام، از جهتی تلاش کرد به امریکا فشار بیاورد که فشار بیشتری روی اسرائیل بگذارد و از جهت دیگر، نشان دهد که هنوز این مسئله، به‌مثابه مسئله‌ای لاینحل باقی است.

۲. سازمان ملل و مسئله فلسطین

برای روشن تر شدن موضوع، نگاهی به قطعنامه‌هایی که سازمان ملل درباره مناقشه فلسطین و اسرائیل صادر کرده است، می‌اندازیم:

۱. قطعنامه ۱۸۱ (۱۹۴۷): این قطعنامه شامل قسمت‌های زیر بود: تقسیم فلسطین به هشت بخش: سه بخش به دولت عربی و سه بخش به دولت یهودی داده می‌شد و بخش هفتم شهر یافا، محدوده‌ای عربی در قلمروی یهودی را تشکیل می‌داد. رویه و ترتیبات بین‌المللی برای بیت‌المقدس به عنوان بخش هشتم، تحت مدیریت شورای قیمیت سازمان ملل انجام می‌پذیرد. در این قطعنامه، مجمع عمومی، ایجاد اسرائیل را که در قیمومت انگلستان بود، به رسمیت شناخت.

۲. قطعنامه ۲۳۷ (۱۹۶۷): در این قطعنامه، از اسرائیل خواسته شده بود امنیت و سلامت و آسایش ساکنان مناطق عملیاتی را تضمین کند و بازگشت آوارگان را تسهیل سازد. از دولت‌های درگیر، درخواست شد با دقت و صداقت، اصول انسانی ناظر بر محافظت از افراد غیرنظامی در زمان جنگ، موضوع کنوانسیون چهارم ژنو مصوب ۱۹۴۹، را مراعات کنند.

۳. قطعنامه ۲۴۲ (۱۹۶۷) و ۳۳۸ (۱۹۷۳) بر دیدگاهی تأکید می‌ورزد که در آن، دو دولت اسرائیل و فلسطین، کنار یکدیگر در مرزهایی امن و قابل شناسایی رسمی، زندگی کنند. شورای امنیت به دلیل تداوم حوادث خشونت‌آمیز تأسف باری که از سپتامبر ۲۰۰۰ به وقوع پیوست، به‌خصوص حملات اخیر و افزایش تعداد آسیب‌دیدگان، به شدت نگران است و بر این ضرورت که تمامی طرف‌های درگیر، مسئولیت حفظ سلامت شهروندان را برعهده گیرند، تأکید می‌نماید. شورای امنیت از تلاش‌های دیپلماتیک فرستادگان ویژه ایالات متحده، روسیه، اتحادیه اروپا و نماینده ویژه سازمان ملل متحد که با هدف تحقق صلحی فراگیر و عادلانه و دایمی

در خاورمیانه صورت گرفت، استقبال و آنان را تشویق به ادامه این تلاش‌ها می‌نماید.

۴. مجمع عمومی در قطعنامه ۲۲ نوامبر ۱۹۷۴، از سازمان آزادی‌بخش فلسطین دعوت کرد به عنوان ناظر در جلسات و برنامه‌های کاری مجمع عمومی، شرکت کند. مجمع عمومی، با عنایت به مسئله فلسطین، با در نظر گرفتن جهان شمولی توصیه‌های منشور سازمان ملل، با یادآوری قطعنامه ۳۱۰۲ (۲۸) مورخ ۱۲ دسامبر ۱۹۷۳، با توجه به قطعنامه ۱۸۵۳ (۵۶) مورخ ۱۴ مه ۱۹۷۴ شورای اقتصادی و اجتماعی و قطعنامه ۱۸۴۰ (۵۶) مورخ ۱۵ مه ۱۹۷۴ شورای اقتصادی و اجتماعی، با عنایت به کنفرانس دیپلماتیک در مورد تأیید مجدد توسعه حقوق بشر دوستانه بین‌المللی قابل اعمال در منازعات مسلحانه، کنفرانس جمعیت جهانی و کنفرانس غذای جهانی، سازمان آزادی‌بخش فلسطین به عنوان ناظر، حق مشارکت در جلسات و برنامه‌های کاری تمامی کنفرانس‌های برگزار شده از سوی ارگان‌های سازمان ملل را دارد.

۵. قطعنامه ۴۶۵ (۱۹۸۰): این قطعنامه تأکید کرد که کنوانسیون چهارم ژنو^۱ نسبت به حمایت از افراد غیرنظامی در زمان جنگ در ۱۲ آگوست سال ۱۹۴۹ و سرزمین‌های اشغال شده توسط اسرائیل در سال ۱۹۶۷ از جمله بیت‌المقدس قابل اجراء است و ایجاد شهرک‌های اسرائیلی در این مناطق، غیرقانونی بوده است.

۶. قطعنامه ۴۳/۱۷۷ (۱۹۸۸): مجمع عمومی، بیانیه اعلام تشکیل دولت فلسطینی از سوی شورای ملی فلسطین را به رسمیت شناخت. مجمع عمومی همچنین تصویب کرد از این به بعد، در نظام سازمان ملل به جای عنوان «سازمان آزادی‌بخش فلسطین»، از عنوان «فلسطین» استفاده شود و از هر نوع تعصب به عضویت ناظری و کارکرد سازمان آزادی‌بخش فلسطین در نظام سازمان ملل اجتناب شود.

۷. قطعنامه ۵۲/۲۵۰ (۱۹۹۸): مجمع عمومی تصمیم گرفت علاوه بر موقعیت ناظری، حقوق و امتیازات دیگری از جمله مشارکت در جلسات و برنامه کاری مجمع عمومی و نیز کنفرانس‌های بین‌المللی و سازمان ملل را به فلسطین اعطا کند.

۸. قطعنامه ۱۳۹۷ (۲۰۰۲): این اولین قطعنامه‌ای است که در آن، راه‌حل برای توقف خشونت (خشونت در طول انتفاضه دوم) پیش‌بینی شد (Duss and Prawde, ۲۰۱۱: ۷).

۳. اواما و مسئله فلسطین

مسئله فلسطین، مسئله‌ای است که بازیگران متعددی در آن دخیل هستند و شاید پربازیگرترین منازعه بین‌المللی باشد که خیلی هم طولانی شده است. بازیگران فرامنطقه‌ای، به خصوص امریکا، هم در گذشته و هم در حال حاضر نقش عمده‌ای در این منازعه داشته‌اند.

امریکا طبق سند راهبرد امنیت ملی ایالات متحده در سال ۲۰۱۰، در قبال مسئله فلسطین، به دنبال ایجاد دو کشور مستقل است که امنیت متحد اصلی اش در منطقه حفظ شود و در کنار آن، کشور مستقل فلسطینی تشکیل شود: اسرائیلی با امنیت کامل و کشوری مترقی و همچنین کشور مستقل فلسطینی با سرزمین‌هایی یکپارچه، به گونه‌ای که اشغال‌گری‌ای که از سال ۱۹۶۷ آغاز شده است، خاتمه یافته و خواست‌های مردم فلسطین محقق شود. امریکا به همکاری منطقه‌ای و همکاری با شرکای هم‌فکر خود به منظور پیشبرد مذاکرات، ادامه خواهد داد که بتواند به این موضوعات همیشگی، یعنی امنیت اسرائیل و فلسطینی‌ها، مرزها، آوارگان و مسئله بیت‌المقدس، رسیدگی کند.

باراک اواما نیز در ابتدا، با ابراز علاقه برای حل مناقشه فلسطین، باعث احیای امید در خاورمیانه و در میان جامعه بین‌المللی برای حل این مسئله شد (Napolitano, ۲۰۱۱: ۳). اواما در سخنرانی خود در سال ۲۰۰۹، در وزارت خارجه امریکا در واشنگتن، ضمن تشریح سیاست‌های امریکا در قبال وضعیت فعلی خاورمیانه، حمایت خود را از تأسیس کشور مستقل فلسطین بر اساس مرزهای قبل از سال ۱۹۶۷ اعلام کرد و بیان کرد که مرزهای سال ۱۹۶۷ باید مبنای مذاکرات صلح اسرائیل و فلسطینی‌ها در آینده باشد، ولی طرفین باید در نظر داشته باشند که شرایط در دوسوی مرز تغییر کرده است و حتی تغییراتی هم باید صورت گیرد. از طرفی، اواما برای حل این مسئله، به همکاری و حمایت کشورهای منطقه چشم دوخته

است و در قبال دیدی چندجانبه گرایانه یا حداقل دوجانبه، به دنبال برقراری صلح فلسطین و اسرائیل و در ادامه، به دنبال این است که روابط تیره اسرائیل را با همسایگانش کاهش دهد. «هرگونه صلح میان اعراب و اسرائیل، تنها زمانی پایدار خواهد ماند که مداخله مضر منطقه‌ای، خاتمه یافته و حمایت‌های سازنده منطقه‌ای تقویت گردد. همان‌گونه که به دنبال صلح میان اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها هستیم، ما به دنبال صلح اسرائیل و لبنان، اسرائیل و سوریه و صلحی گسترده‌تر میان اسرائیل و همسایگانش خواهیم بود. ما ابتکار عمل منطقه‌ای را با مشارکت چندجانبه، هم‌زمان با مذاکرات دوجانبه، دنبال خواهیم کرد.^۱ اواما می‌تواند از این طریق، برای متقاعد کردن لابی یهود و رهبران اسرائیل برای حرکتی سریع به سمت حل و فصل مسئله فلسطین برای استفاده از منابع مالی اعراب، اقدام کند (Ghitany, ۲۰۰۹: ۹).

اما کنگره، از آنجایی که همیشه معروف به حیاط خلوت اسرائیل است، مواضع تندتری در برابر فلسطین، در برابر اواما گرفته است. کنگره، تهدید به کاهش کمک‌های مالی امریکا به سازمان ملل و همچنین تهدید به قطع کمک‌های اقتصادی به دولت خودگردان فلسطین کرده است. برای مثال، ایلینا روس - لتینن،^۲ نماینده جمهوری خواه ایلینوی، بیان کرد که سازمان ملل اگر شفافیت و پاسخ‌گویی در قبال مسئله فلسطین نداشته باشد، ایالات متحده از مشارکت‌هایش با هر نهاد سازمان ملل که کشور فلسطین را به رسمیت بشناسد، خودداری می‌کند.

درواقع رویکرد اواما و کنگره در قبال چشم‌انداز صلح فلسطین و اسرائیل، طرح حمایت‌شده صلح سازمان ملل و همچنین سایر بیانیه‌های سازمان ملل متحد و فراخوانی برای ایجاد کشوری فلسطینی، تنها از طریق توافق متقابل با اسرائیل به دست خواهد آمد و تلاش برای منزوی کردن و انکار حق موجودیت اسرائیل، به شکست خواهد انجامید. با توجه به این مواضع، ایالات متحده در حال حاضر، تمایل به تحمیل نفوذ خود بر روند صلح از طریق وادار کردن رهبران فلسطینی به مذاکره بر موضوعاتی که اسرائیلی‌ها موافقند بر آن مذاکره کنند، دارد (Napolitano, ۲۰۱۱: ۷).

1. strategy national security Document, 2010.

2. Ileana Ros Lethinen

از جانب دیگر، اوباما و دولت‌ش، با توجه به انتخابات ۲۰۱۲ ریاست‌جمهوری، نمی‌خواهند نشان دهند که با اسرائیل مخالف هستند؛ زیرا به حمایت اسرائیل و گروه‌های وابسته به آن نیاز دارند (Cheers, ۲۰۱۱: ۲). در واقع به تأخیر انداختن موضوع فلسطین، به دور دوم ریاست‌جمهوری به سستی برای رؤسای جمهور امریکا تبدیل شده است. زیرا هر رئیس‌جمهور امریکا که به دنبال انتخاب مجدد است، نباید خشم لابی قدرتمند یهود را نسبت به خود برانگیزد؛ در این صورت انتخاب شدن مجدد، غیرممکن است. این امر برای هر دو رئیس‌جمهور پیشین، جورج بوش و کلینتون صادق است (Ghitany, ۲۰۰۹: ۹۸).

۱-۳. رویکرد باراک اوباما در قبال طرح اخیر محمود عباس

رئیس‌تشکیلات خودگردان فلسطین، محمود عباس، در مجمع عمومی سازمان ملل در ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۱، به منظور درخواست شناخت فلسطین به مثابه یک دولت و عضویت آن به مثابه صد و نود و چهارمین عضو در سازمان ملل، بیانیه‌ای ارائه کرد. این درخواست محمود عباس، پاسخی به مذاکرات صلح متوقف شده با دولت اسرائیل است که از دهه ۱۹۴۰، کنترل بیش از ۷۸ درصد از خاک فلسطین را برعهده داشته است (Garcia, ۲۰۱۱: ۱). اما حرکت بی‌سابقه محمود عباس برای ارائه طرح عضویت فلسطین در سازمان ملل در جلسه مجمع عمومی، باعث بحران در محافل دیپلماتیک بین‌المللی شد و امریکا و اسرائیل دچار شوک شدیدی شدند.

اوباما در مجمع عمومی سازمان ملل در سپتامبر ۲۰۱۱، در سخنرانی خود درباره مسئله فلسطین، درباره عدم پیشرفت در روند صلح، از سختی‌های روند صلح سخن راند و درباره آینده فلسطین بیان کرد: «اکنون می‌دانم که بسیاری، از نبود پیشرفت، دلسرد شده‌اند. این در مورد خود من نیز صادق است... و من متقاعد شده‌ام که راه میان‌بری برای پایان دادن به مناقشه‌ای که دهه‌ها به درازا کشیده شده است، وجود ندارد. صلح نیاز به سخت‌کوشی دارد. صلح با بیانیه و قطعنامه در سازمان ملل، به دست نخواهد آمد... در وهله نهایی، این اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها هستند که باید بر سر مسائلی که آنها از هم جدا می‌کند - در رابطه با مرزها و در رابطه با امنیت؛ در رابطه با پناهندگان و در رابطه با بیت‌المقدس، به توافق برسند، و نه

ما. ما آینده‌ای را جست‌وجو می‌کنیم که در آن، فلسطینی‌ها در کشوری از آن خود، بدون هیچ محدودیتی در آنچه می‌توانند به دست آورند، زندگی کنند. در اینکه فلسطینی‌ها زمانی بیش از حد طولانی شاهد به‌تعویق افتادن این چشم‌انداز بوده‌اند، شکی نیست و درست به همین سبب است که ما با قوت، به آرمان‌های مردم فلسطین اعتقاد داریم. به همین سبب است که ایالات متحده، به چنین سرمایه‌گذاری بزرگی از وقت و کوشش برای ایجاد کشوری فلسطینی و مذاکراتی که به پیدایش کشوری فلسطینی منجر شود، دست زده است» (Garcia, 2011: ۷).

همچنین، دربارهٔ تعهد خود دربارهٔ متحد اصلی خود (اسرائیل) می‌گوید: «تعهد امریکا به امنیت اسرائیل، تزلزل‌ناپذیر و دوستی ما با اسرائیل، عمیق و ماندگار است و بر این اساس ما معتقدیم که هرگونه صلح پایداری، باید نگرانی‌های امنیتی بسیار واقعی را که اسرائیل به‌طور روزمره با آنها مواجه است، به رسمیت بشناسد». همچنین بیان می‌کند: «اسرائیل در محاصرهٔ کشورهای قرار گرفته است که به جنگ‌های مکرری علیه آن دست زده‌اند... مردم یهودی تبار، قرن‌ها تبعید و آزار را به دوش می‌کشند و خاطرهٔ تازهٔ آگاهی بر این حقیقت را که شش میلیون تن از آنها به‌خاطر هویتی که داشتند به قتل رسیده‌اند، با خود همراه دارند. این، حقیقت است؛ هریک از دو طرف، خواست‌های مشروعی دارد. این تاحدی یکی از دلایلی است که صلح را چنین دشوار می‌سازد و بن‌بست، وقتی شکسته خواهد شد که هریک از دو طرف بیاموزد که خود را به‌جای دیگری بگذارد. هر طرفی می‌تواند جهان را از دید طرف دیگر ببیند. ما تنها هنگامی در کوشش‌های خود کامیاب خواهیم بود که دو طرف را تشویق کنیم تا با هم بنشینند، به حرف یکدیگر گوش دهند، امیدها و ترس‌های یکدیگر را درک کنند. این آن طرحی است که امریکا به آن متعهد است و راه میان‌بری وجود ندارد»^۱.

درواقع، خط پایان سیاست امریکا در مناقشهٔ اسرائیل و فلسطین، حمایت از راه‌حل دو طرفه است و به‌طور قاطع، اواما بر این نظر است که راه‌حل، فقط از طریق مذاکرهٔ بین دو طرف و نه اقدام یک‌جانبهٔ فلسطین است. این نشان می‌دهد که هرگونه حرکت برای استقلال فلسطین، باید از جانب شورای امنیت، به رسمیت

1. <http://iipdigital.usembassy.gov>, 2011/9/21.

شناخته شود که با حق وتوی امریکا روبه‌رو خواهد شد (Duss and Prawde, ۲۰۱۱: ۴).

۴. پیامدهای وتوی طرح عضویت فلسطین

باراک اوباما در نهایت، طرح پیشنهادی عضویت فلسطین (۲۳ سپتامبر ۲۰۱۱) در سازمان ملل را وتو کرد؛ اما پیامدهای موضع‌گیری اخیر اوباما در وتوی طرح فلسطین عبارتند از:

۱. مشروعیت و مقبولیت بین‌المللی امریکا را بیش از گذشته چالش‌برانگیز کرد. این موضوع، سیاست‌های تقلیل‌گرایانه اوباما در خاورمیانه را سخت مسئله‌دار خواهد کرد؛

۲. موج‌سواری امریکا در خاورمیانه عرب را با چالش روبه‌رو کرد؛

۳. نقش واسطه‌گری امریکا را برای حل منازعه اعراب و اسرائیل، دچار چالش

کرد؛

۴. همچنین اتحاد امریکا با دیکتاتورهای عرب برای حمایت از اسرائیل و منافع آن در سال‌های اخیر، نگاه ضدامریکایی را در منطقه، به شدت افزایش داده است (Rosen, ۲۰۱۱: ۵۴).

اوباما با وتوی این طرح نشان داد که نه تنها هیچ دستاوردی در زمینه صلح اعراب و فلسطین نداشته است، بلکه دچار نوعی سردرگمی در قبال این مسئله با توجه به تحولات اخیر منطقه شده است.

۵. امریکا و آینده مسئله فلسطین

تلاش‌های امریکا برای تجدید مذاکرات فلسطین و حل این مسئله در آینده، این سؤال را به وجود می‌آورد که تمرکز دولت ایالات متحده در این مذاکرات، بر کدام گزینه‌ها می‌تواند استوار باشد. در اینجا، چهار گزینه با در نظر گرفتن معایب و محاسن هر یک، بررسی می‌شود.

■ اولین گزینه این است که مذاکرات اجلاس کمپ دیوید ۲۰۰۰، البته در شکلی متفاوت، تکرار شود که این مذاکرات برای به وجود آمدن وضعیت صلح دائمی و حل درگیری‌های اسرائیل و فلسطین، در همه جنبه‌های آن بود.

مهم‌ترین مشکل این گزینه، این است که فلسطینی‌ها و اسرائیلی‌ها باید همه جنبه‌های درگیری‌شان را حل کنند. درحقیقت این توافقات، نه تنها دارای جنبه نمادین و ایدئولوژیک است، بلکه نیازمند بازگشت پناهندگان فلسطینی و حاکمیت بر بیت‌المقدس اورشلیم است.

■ گزینه دوم این است که درعین اینکه به موضوعات مربوط به وضعیت صلح دائمی تمرکز می‌شود، از توجه به شکاف میان مواضع احزاب در قبال جنبه‌های نمادین و ایدئولوژیک مانند وضعیت پناهندگان و بیت‌المقدس که در قلب هر دو طرف قرار دارد، خودداری شود.

مهم‌ترین اشکال این گزینه این است که هر دو طرف، درباره مسائل درگیری‌شان کوتاه نمی‌آیند؛ زیرا بعضی از افراد و گروه‌ها، تنها با پایان درگیری و جلوگیری از سرگیری آن در آینده، راضی می‌شوند.

■ گزینه دیگر، مبنی بر تمرکز مذاکرات بر ایجاد دولت مستقل فلسطینی که در طرح اخیر توسط سلام فیاض، نخست‌وزیر فلسطین، مطرح شد. در این گزینه، باید بر موضوعاتی تمرکز کند که رضایت اسرائیل را به همراه دارد تا دو کشور مستقل به وجود آید. بزرگ‌ترین مزیت این گزینه، از این منظر است که برای اولین بار اجازه می‌دهد که ایده استقلال فلسطین، به واقعیت منتهی شود.

حداقل مشکلات این گزینه برای دولت امریکا، عواقب مالی آن خواهد بود. ایالات متحده از یک طرف، بودجه زیرساخت دولت آینده فلسطین را برای ایجاد نهادهای دولتی آن پرداخت کند و از طرف دیگر، چالشی که با آن مواجه است، مواجهه با نگرانی‌های اسرائیل است که نشئت گرفته از ظهور یک جنبه دولت فلسطینی خواهد بود. با این گزینه، مذاکرات برای مرزهای دائمی آینده فلسطین که مستقیماً مربوط به وضعیت دائمی صلح می‌شود، شروع می‌شود و مرزهای نهایی بین اسرائیل و دولت فلسطینی معلوم خواهد شد.

آخرین گزینه ممکن، این است که تمرکز مذاکرات آینده در تلاش برای پیاده‌سازی صلح خاورمیانه ۲۰۰۳، یعنی ایجاد کشوری فلسطینی با مرزهای موقت باشد (Feldman and Shikaki, ۲۰۰۹: ۱۰-۵).

نتیجه‌گیری

اگرچه باراک اوباما از ابتدای دوران ریاست جمهوری اش، متعهد به حل و فصل اختلافات اعراب و اسرائیل بوده است، اما در این چندساله، موفقیتی در برنامه خود برای صلح فلسطین و اسرائیل نداشته است و تنها راه را، مذاکره و توافق با اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها می‌داند. زیرا عواملی وجود دارد که تصمیم‌گیری را برای اوباما سخت می‌کند. از طرفی اوباما در عرصه داخلی، با کنگره روبه‌رو است که تهدید به قطع کمک‌های مالی به سازمان ملل در صورت به رسمیت شناختن فلسطین کرده است؛ افزون بر این، تهدید به قطع کمک‌های مالی به تشکیلات خودگردان فلسطین کرده است. همچنین اوباما برای موفقیت در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۲، نباید موضع تندی در برابر اسرائیل اتخاذ کند؛ زیرا هر رئیس‌جمهور امریکا که خواهان موفقیت است، نباید خشم لابی یهود را برانگیزاند و این تبدیل، به سستی شده است که رؤسای جمهور امریکا، مسئله فلسطین را موکول به چهارساله دوم ریاست جمهوری‌شان می‌کنند. از طرف دیگر، فلسطین برای عضویت در سازمان ملل، هرچند با وتوی ایالات متحده، با این اقدام روبه‌رو شد، اما نگاه جدیدی را به خود و مسئله دولت‌شدنش در جامعه بین‌المللی ایجاد کرد.

باین حال، بسیاری از ناظران معتقدند که ساف از پشتیبانی اکثریت برای قطعنامه مجمع عمومی برای ارتقای وضعیت ناظر فلسطین به دولت غیرعضو، برخوردار است. این ارتقا خود برای فلسطینیان، موفقیتی محسوب می‌شود؛ زیرا از طرفی می‌توانند با مراجعه به دادگاه جنایی بین‌المللی، رژیم صهیونیستی را برای ارتکاب جرم و جنایت در کرانه باختری و غزه، محکوم کنند و از طرف دیگر، با توجه به تحولات جدید منطقه و انقلابات موجود، نوعی نگرش ضدامریکایی و اسرائیلی در بین مردم شکل گرفته که مصداق آن، اشغال سفارت رژیم صهیونیستی در مصر است و حمایت اتحادیه عرب از پیشنهاد فلسطین در سازمان ملل و وخیم‌تر شدن روابط امنیتی - سیاسی اسرائیل با ترکیه و مصر، موجب نگرانی اسرائیل از امنیت خود شده است. این امر منجر به انعطاف و نرمش و امتیازدهی بیشتر اسرائیل در روند مذاکرات صلح بین اسرائیل و فلسطین می‌شود و قدرت مانور اسرائیل را کاهش می‌دهد.

فلسطین، از طریق این اقدام توانست راه خود را برای عضویت در دیگر سازمان‌های بین‌المللی باز کند و عضویت کامل در یونسکو را به دست آورد که در بلندمدت، هم موجب عضویت در سازمان‌های بیشتری شود و هم کشورهای چون ایالات متحده و رژیم صهیونیستی، در بلندمدت، مجبور هستند با کشور شدن فلسطین و عضویت در سازمان‌های دیگر کنار بیایند و این واقعیت را قبول کنند. این عوامل دست به دست هم داده تا تصمیم‌گیری را برای اواما سخت‌تر کند. اما در پایان، باید این نکته را نیز اضافه کرد که این برداشت بعید به نظر می‌رسد که آمریکا از امنیت متحد اصلی خود دست بکشد و به عضویت فلسطین در شورای امنیت، رأی مثبت دهد. تلاش‌های فلسطین هرچند در سازمان ملل با وتوی شورای امنیت مواجه شد، اما نگاه جدیدی به مسئله فلسطین در جامعه بین‌المللی شکل گرفت. فلسطین با اجرای این سیاست، توانست گامی به جلو بردارد؛ همچنین توانست در یونسکو (نهاد وابسته به سازمان ملل) به‌مثابه عضو کامل شناخته شود که این، خود پیشرفتی بزرگ برای فلسطین محسوب می‌شود. از طرفی، اواما با توجه به تعهد خود برای حل و فصل اختلافات بین اسرائیل و فلسطین، نتوانسته است صلح را برقرار سازد. او فقط توانست برای یک دوره کوتاه نه‌ماهه، شهرک‌سازی را متوقف کند.

اما اواما در تشریح سیاست‌های خاورمیانه‌ای خود، دچار سردرگمی شده است؛ در جایی، از تأسیس کشور فلسطین بر اساس مرزهای ۱۹۶۷ صحبت کرده است و در جایی دیگر، به ایجاد دولت فلسطینی در کنار تضمین امنیت اسرائیل معتقد است. این سیاست جدید اواما، بازتاب توازن قوای جدیدی است که در نتیجه قیام‌های مردمی در منطقه، به زیان دولت‌های آمریکا و اسرائیل حاصل شده است؛ اما با وجود این، هنوز از تبدیل شدن این اعلام موضع جدید آمریکا در قبال مسئله فلسطین به استراتژی‌ای جدید در سیاست آمریکا، فاصله زیادی وجود دارد. مضافاً اینکه در همین مواضع، اواما هم دست خویش را برای مانورهای بعدی، باز نگه داشته است.

کتابنامه

- اسمیت، استیو و جان بیلیس (۱۳۸۳)؛ *جهانی‌شدن سیاست: روابط بین‌الملل در عصر نوین*، ترجمه ابوالقاسم راه‌چمنی و دیگران، تهران: ابرار معاصر.
- ایزدی، پیروز (۱۳۸۸)؛ «روابط فرآتلاتتیکی در دوران اوباما»، *فصلنامه راهبرد*، سال هجدهم، ش ۵۱، تابستان، صص ۱۹۳-۱۸۳.
- عسگرخانی، ابو محمد (۱۳۷۸)؛ «سازمان ملل متحد؛ گذشته، حال، آینده»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال سیزدهم، ش ۴، زمستان.
- کالاهان، پاتریک (۱۳۸۷)، *منطق سیاست خارجی آمریکا*، ترجمه داوود غرایاق زندگی، محمود یزدان‌فام و نادر پورآخوندی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۳)؛ «واقع‌گرایی، لیبرالیسم و جنگ آمریکا علیه عراق»، *فصلنامه سیاست خارجی*، سال هجدهم، زمستان.
- مختاری، علی (۱۳۸۷)؛ «جایگاه نبرد با تروریسم در سیاست خارجی ایالات متحده (۲۰۰۷-۲۰۰۰)»، *فصلنامه راهبرد*، سال شانزدهم، ش ۸۴، زمستان، صص ۱۹۲-۱۷۷.
- ویژه‌نامه دیپلماسی ایرانی (شهریور ۹۰) «فلسطین در تکاپوی کشور شدن» ۱-۲۰، مراجعه در تاریخ ۱۳۹۱/۳/۴، قابل دسترسی در سایت www.irdiplomacy.ir
- Avi, Shlaim (2002); "The United States and the Israeli-Palestinian Conflict", Chapter in Ken Booth and Tim Dunne, eds, *Worlds in Collision: Terror and the Future of World Order*, Palgrave, at available: www.pbs.org/newshour/indepth.../middle.../conflict.../keyplayer2.ht (accessed on: 2012/2/27).
- Bouchard, Caroline and Peterson, John (February 2010), "Conceptualising Multilateralism Can We All Just Get Along?" Mercury is financially supported by the EU's 7th Framework Programme. at available: www.mercury-fp7.net.../user.../E_paper_no_1__Revised_Version.p (accessed on: 2012/5/21)
- Brett D. Schaefer and James Phillips (2011); "The U.N. Palestinian Statehood Vote: A Test of Obama's U.N. Engagement Strate" , No. 3366 September 19, 2011, 22, Published by The Heritage Foundation, 1-3 at available: www.heritage.org.../the-un-palestinian-statehood-vote-a-test-of-obama (accessed on: 2012/3/11).

- Brookings Institution*, (2011); "Revitalizing The United Nations", at available: globalsolutions.org/files/public/.../Schwartzberg_Weighted_Voting (accessed on: 2012/4/14).
- De Vasconcelos, Álvaro and Zaborowski, Marcin (2009); "The Obama Moment: European and American perspectives"; *Institute for Security Studies European Union*, No. 4. at available: www.iss.europa.eu/uploads/.../The_Obama_Moment__web_A4.pdf (accessed on: 2012/5/9).
- Drezner, Daniel W. (2008); *Lost in Translation: The Transatlantic Divide Over Diplomacy, in Growing Apart?: America and Europe in the Twenty- First Century*, Eds. Jeffrey Kopstein and Sven Steinmo, Cambridge: *Cambridge University Press*. at available: www.cambridge.org/aus/catalogue/catalogue.asp? (accessed on: 2012/1/14).
- Duss Mathew and Prawde Alysc (2011); "Backgrounder on the Palestinians" Bid at available: www.americanprogress.org/.../backgrounder-on-the-palestinians-bid (accessed on: 2012/3/3).
- Feldman, shahi and Khalil Shikaki(2009); "The Obama Presidency and the Palestinian-Israeli Conflict", *middle east studies*, November, No. 39, 1 –8.
- For Statehood at the United Nations” Center For American Progress at available: www.washingtonpost.com/...obama.../gIQAAtEmzkK_(accessed on: 2012/2/14).
- Gamal Al - Ghitany, Khaled al -Hroub, Salahad - Din al - Jouchi , Mus taphaal - Khalf, (2009); "President Obama and Middle East Expectations" *foreign policy* at available: www.carnegieendowment.org/files/obama_middle_east.pdf (accessed on: 2012/2/27).
- García ,Yeneily(2011); "Palestine’s New Battle: UN Recognition", Thursday, 22 September 2011, at available: www.radiorebelde.cu/.../palestine-s-new-battle-recognition-2011/9/2 (accessed on: 2012/1/14).
- Malka, Haib (2011); "The Future Of The U.S.-Israel Sterategic Partnership" at available: csis.org/event/crossroads- future- us- israel- strategic- partnership (accessed on: 2012/4/15).
- Menendez.(2011); "Abbas Actions Would For Ce Re-Evaluation Of U S Funding To Palestine Authority", *Menendez Press Office* at available: www.theisraelproject.org/site/apps/nlnet/content3.aspx? (accessed on: 2012/2/11).
- Miller, Benjamin (2010); "Democracy Promotion:Offensive Liberalism versus the Rest of IR Theory", *Journal of International Studies*, vol. 38 no. 3 ,pp 561-591.

Napolitano, Paolo (2011); "Israel and Palestine and state (un) sustainability", *Technical Report*, No. 5, June, 1-20 at available: www.ceps.eu/book/israel-and-palestine-and-state-unsustainability (accessed on: 2012/2/14).

Palestinians Seeks Statehood from United Nations Assembly, September 20, 2011, Imani M. Cheers, 1-2 at available: www.pbs.org/newshour/extra/features/world/.../palestine_09-20.html (accessed on: 2012/2/4).

Rosen, Steven J.(2011); "Abbas vs. Obama", *Middle East Quarterly Spring* at available: www.meforum.org/2901/abbas-vs-obama (accessed on: 2012/1/9).

See James Phillips, (2011); "Promoting Peace? Reexamining U.S. Aid to the Palestinian Authority" *Heritage Foundation Testimony* at available: foreignaffairs.house.gov/hearings/view/?1317 (accessed on: 2012/1/27).

Voigt ,Karsten D. (2009); "Transatlantic Relations following the U.S. elections – new Perspectives with President Obama. at available: www.auswaertigesamt.de/EN/.../090421-Voigt-AmericanCouncil.h.

Watson Institute (2011); "The U.S Role in the World: Four Futures" at: www.choices.edu/resources (accessed on: 2012/1/27).

Zanotti, Jims and Browne Ann, Marjorie (2011); "Palestinian Initiatives For 2011 The United Nation", *Congressional Research Service*, at available: fpc.state.gov/documents/organization/174250.pdf (accessed on: 2012/2/20).

<http://www.whitehouse.gov/the-press-office/2011/05/19/remarks-president-middle-east-and-north-africa> (2011/6/28).

www.whitehouse.gov/sites/default/.../national_security_strategy.pdf (2011/11/10).

<http://iipdigital.usembassy.gov/st/persian/texttrans/2011/09/20110922161845x0.739967.html#ixzz1dKoliUAU> (accessed on: 2012/1/27).

<http://nytimes.com/2009/09/24/us/.../24prexy.text.html>(accessed on: 2012/2/3).